

## حجاب و پوشش

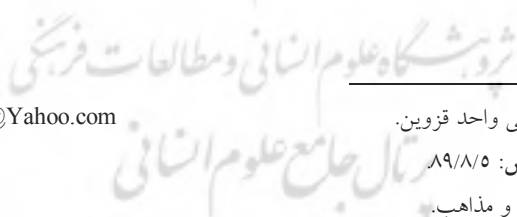
### در ادیان زرتشت، یهود و مسیحیت

مهناز علیمردی\* / محمدمهدی علیمردی\*\*

#### چکیده

بر اساس جهان‌بینی ادیان الهی، انسان خلیفه خداوند و مرکز و محور جهان هستی است. وی عهده‌دار رسالت کسب معرفت، تهذیب نفس و اصلاح جامعه است. و حیات او در جهان آخرت نیز استمرار دارد. علاوه بر حفظ کرامت انسان، استعدادهای معنوی و عقلانی بشر در پرتو رهیافت‌های فطری و هدایت‌های وحیانی شکوفا می‌شود. حجاب و پوشش از جمله موضوعاتی است که رعایت آن موجب حفظ کرامت انسان است. برخی معتقدند پوشش و حجاب، صرفاً نتیجه تعامل فرهنگی بین فرهنگ‌هاست. در نتیجه ادیان الهی در مورد چگونگی حضور زن در برابر نامحرم، قانونی خاص ندارند. از دیدگاه ایشان، آنچه امروز به صورت دستوری شرعی درآمده، مستندی شرعی ندارد. این مقاله با رویکرد نظری و اسنادی، به تحقیق درباره صحت و سقم این نظر پرداخته و مستندات دینی پوشش و حجاب را در سه دین زرتشت، یهود، مسیحیت تبیین و تشریح کرده است.

کلید واژه‌ها: حجاب، پوشش، عفاف، زرتشت، یهود، مسیحیت.



## مقدمه

حجاب به معنای «پوشاندن بدن زن در برابر نامحرم» از احکام ضروری دین اسلام است. در دیگر ادیان الهی از جمله آیین زرتشت، یهود و مسیحیت نیز، این حکم با تفاوت‌هایی کم و بیش وجود دارد. پوشش و عفاف از آن جهت که امری فطری و برای حیات اجتماعی انسان ضروری است، در ادیان و مذاهب الهی دارای جایگاه خاصی است. همه ادیان آسمانی، حجاب و پوشش را بر زن واجب و لازم شمرده‌اند و جامعه بشری را به سوی آن فراخوانده‌اند؛ زیرا حیا و لزوم پوشش به طور طبیعی در نهاد زنان به ودیعت نهاده شده و احکام و دستورهای ادیان الهی هماهنگ و همسو با فطرت انسانی تشریح شده است.

بر اساس اصل لزوم هماهنگی و تناسب آفرینش و قانون‌گذاری که قرآن بدان اشاره دارد، «فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ...» (روم: ۳۰)، خداوند لباس و پوشاک را در لابه‌لای نعمت‌های بی‌کرانش به بشر ارزانی داشت و فرمود: «یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباساً یُوارِی سِوَاءَکُمْ و ریشاً و...» (اعراف: ۲۶). خداوند اشتیاق درونی زنان به «حجاب» را با تشریح قانون پوشش مستحکم ساخت تا گوهر هستی «زن» در صدف پوشش حفظ شود و جامعه از فرو رفتن در گرداب فساد و تباهی نجات یابد. بی‌تردید جهان‌بینی و انسان‌شناسی هر فرهنگ و مکتب، نقش اساسی و مهمی در انتخاب نوع و کیفیت پوشش دارد.<sup>۱</sup>

گرچه انتخاب لباس و پوشاک برآیند اندیشه و اراده آدمی است، ولی بر بینش و اراده انسانی نیز تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به عنوان زمینه‌ساز تعالی یا انحطاط فردی و اجتماعی نقش‌آفرینی کند. بنا به گواهی متون تاریخی، در بیشتر قریب به اتفاق ملت‌ها و آیین‌های جهان، حجاب در بین زنان معمول بوده است. حجاب در طول تاریخ، فرازونشیب‌های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید یا تخفیف یافته؛ ولی هیچ‌گاه به‌طور کامل از بین نرفته است.

در آیین زرتشت، یهود و مسیحیت، حجاب بر زنان امری لازم بوده است. کتاب‌های مقدس مذهبی، دستورات و احکام دینی، آداب و مراسم و سیره عملی پیروان این ادیان، بهترین گواه بر اثبات این مدعا است.

## مفهوم‌شناسی حجاب

حجاب، واژه عربی است و زبان‌شناسان عرب، برای آن، دو معنای اصلی برشمرده‌اند: ۱. حجاب، به مفهوم مانع و حایل میان دو چیز است؛ خواه از امور مادی و اشیای محسوس باشد و یا از امور معنوی و غیر محسوس. «حجب و حجاب به معنای منع از وصول و رسیدن دو چیز به همدیگر است».<sup>۲</sup>

همچنین در مصباح آمده است:

حَجَبَ به معنای منع است؛ از این‌رو، به پوشش، حجاب گفته می‌شود؛ زیرا پوشش، مانع از مشاهده می‌شود. به دربان، حاجب گفته می‌شود؛ چون مانع و بازدارنده از ورود دیگران است. اصل معنای حجاب، جسمی است که بین دو جسد حائل می‌شود و گاه بر امور معنوی نیز به کار می‌رود؛ از این‌رو، گفته شده است: «عجز» حجاب میان انسان و مراد او، و «معصیت» حجاب بین بنده و پروردگار اوست.<sup>۳</sup>

۲. حجاب به معنای ستر و پوشش

صاح اللغه معنای پوشش را برای حجاب یادآور شده و گفته است: «حجاب یعنی پوشش و حجاب درون انسان؛ یعنی آنچه که بین قلب و سایر آن حائل می‌شود».<sup>۴</sup> چنان‌که ابن‌منظور نیز در *لسان‌العرب*، حجاب را به معنای ستر دانسته و گفته است: «حجاب به معنای ستر و پوشش است؛ «حجبه» یعنی آن را پوشانید؛ زن محجوب، زنی است که پوشیده باشد».<sup>۵</sup>

اما استفاده از واژه حجاب، در مورد پوشش زن، اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و به خصوص در اصطلاح فقها، کلمه «ستر» که به معنای پوشش است، به کار می‌رفته. فقیهان چه در کتاب *الصلوة*<sup>۶</sup> که این مطلب را بیان کرده‌اند، واژه «ستر» را به کار برده‌اند، نه کلمه «حجاب» را. قرآن کریم، در سوره مبارکه نور و احزاب، حدود پوشش و تماس‌های زن و مرد را ذکر کرده است؛ بدون آنکه کلمه «حجاب» را به کار برده باشد. آیه‌ای که در آن واژه «حجاب» به کار رفته است، مربوط به زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.<sup>۷</sup> معنای اصطلاحی جدید این واژه، عبارت است از پوششی که زن در برابر نامحرمان باید استفاده کند و از جلوه‌گری و خودنمایی پرهیزد. در این نوشتار نیز همین معنای اصطلاحی مورد نظر است؛ بی‌تردید حجاب در این اندازه، یکی از احکام مشترک ادیان ابراهیمی و از احکام ضروری اسلام بوده و همه طوایف اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله به

اسماء فرمود: همین که دختر به حد بلوغ رسید، سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود؛ مگر این و آنکه حضرت اشاره به میچ دست به پایین و صورتشان کردند.<sup>۸</sup> از امام صادق علیه السلام پرسیده شد. آیا آرنج زن تا میچ از قسمت‌هایی است که باید از نامحرم پوشانده شود؟ فرمودند: بلی، آنچه زیر روسری قرار گیرد و همچنین از محل دستبند به بالا باید پوشانده شود.<sup>۹</sup>

### مفهوم‌شناسی عفاف

«عفاف» نیز واژه‌ای عربی است که با فرهنگ اسلامی و دینی وارد زبان فارسی شده است. «عفاف» را به معنای خود نگه‌داری و بازداشتن نفس انسانی از محرّمات و خواهش‌های شهوانی دانسته‌اند. راغب در مفردات می‌گوید: «عَفَّتْ، حالت نفسانی است که مانع تسلّط شهوت بر انسان می‌شود و انسان عقیف کسی است که با تمرین و تلاش مستمر و پیروزی بر شهوت، به این حالت دست یافته باشد.» در قاموس قرآن آمده است: «عَفَّتْ، به معنای مناعت است. در شرح آن گفته‌اند: حالت نفسانی است که از غلبه شهوت بازدارد. پس باید عقیف به معنای خودنگهدار و با مناعت باشد.»<sup>۱۱</sup>

«عفاف» اصطلاحی اخلاقی است. عالمان اخلاق، عفاف را در شمار مهم‌ترین فضایل اخلاقی جای داده‌اند و فیلسوفان در حکمت عملی به آن پرداخته‌اند. ملاصدرا در *اسفار* عفاف را چنین تعریف می‌کند: «عفاف، منشی است که منشأ صدور کارهای معتدل می‌شود؛ نه پرده‌داری می‌کند و نه گرفتار خمودی می‌شود.»<sup>۱۲</sup>

خواجه نصیرالدین طوسی در تعریف آن می‌نویسد: «عفاف آن است که نیروی شهوت مطیع عقل باشد تا تصرف او به اقتضای رأی او بود و اثر خیریت در او ظاهر شود و از تعبد هوای نفس و استخدام لذات فارغ.»<sup>۱۳</sup>

علامه سیدمحمدحسین طباطبائی، عفاف را از اصول سه گانه فضیلت‌های اخلاقی می‌داند که صبر، حیا، ایثار، سخاوت، و... بر شاخه آن می‌روید. او پس از آنکه قوای شهوانی، غضبی و فکری را منشأ و خاستگاه تمام اخلاق انسانی برمی‌شمرد، می‌گوید: «حد اعتدال در قوه شهوانی «عفاف» و افراط و تفریط در آن «شره» و «خمود» نامیده می‌شود.»<sup>۱۴</sup> بر این اساس عفاف، معنایی فراخ‌تر از پاک‌دامنی و پالودگی از فحشا و زنا دارد. قرآن کریم و نصوص روایی نیز، عفاف را در معنای وسیع‌تر از عفاف و پاکی جنسی به کار برده و آن را به معنای در پیش گرفتن رویه اعتدال، خودنگه‌داری، تسلط بر خویشتن، صبوری و

ایستادگی در برابر کامجویی ناروا می‌داند که در حوزه تمایلات جسمی و جنسی می‌گنجد و نفس انسانی خواهان برآورده شدن بی‌قید و شرط آن نیازهاست. در شمار شواهد قرآنی که بیان‌گر این معناست، می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

۱. در سوره مبارکه «نور» پس از آن‌که خداوند مسلمانان را ترغیب به ازدواج و همسرگزینی می‌کند و به مؤمنان دستور می‌دهد زنان و مردان بی‌همسر را همسر دهند، می‌فرماید: «و کسانی که زمینه‌ای برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند» (نور: ۳۳).

چنان‌که در این آیه، عفاف به معنای خویش‌داری از گناه و شکیبایی در برابر کمبودهای زندگی و نیازهای جنسی آمده است.

۲. در سوره مبارکه بقره، گروهی از نیازمندان و فقیران، به عفاف و خویش‌داری توصیف و ستایش شده‌اند. آنان کسانی هستند که از یک‌سو توان و نیرو برای کار و کسب معاش ندارند و از سوی دیگر، در عین نیازمندی و تهی‌دستی، از گدایی و اظهار نیاز پرهیز می‌کنند. چندان‌که اگر کسی از نزدیک به حال ایشان آگاهی نداشته باشد، آنان را بی‌نیاز می‌انگارند. «(انفاق شما، مخصوصاً باید) برای نیازمندی باشد که در تنگنا قرار گرفته‌اند، نمی‌توانند مسافرتی کنند (و سرمایه‌ای به دست آورند) و از شدت خویش‌داری، افراد ناآگاه، آنان را بی‌نیاز می‌پندارند؛ اما آنها را از چهره‌هایشان می‌شناسی و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند». (بقره: ۲۷۳). در این آیه، واژه «عفاف» در معنایی فراتر از عفاف جنسی به کار رفته است، و آن عبارت است از: عفاف معیشتی و اقتصادی.

### پوشش و حجاب پیش از آیین زرتشت

نخستین مردمی که به سرزمین ایران آمدند، آریایی‌ها بودند. آنان به دو گروه عمده «مادها» و «پارس‌ها» تقسیم می‌شدند.<sup>۱۵</sup> با اتحاد مادها، دولت «ماد» تشکیل شد. پس از مدتی پارس‌ها توانستند دولت ماد را از بین ببرند و سلسله‌های هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان را بنیان‌گذاری کنند.<sup>۱۶</sup> پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان ایران‌زمین از زمان مادها، که نخستین ساکنان این دیار بودند، دارای حجاب کاملی، شامل پیراهن بلند چین‌دار، شلوار تا مچ پا و چادر و شنلی بلند بر روی لباس‌ها بوده‌اند.<sup>۱۷</sup> این حجاب در دوران سلسله‌های مختلف پارس‌ها نیز معمول بوده است. بنابراین در زمان بعثت زردشت و قبل و بعد از آن،

زنان ایرانی حجابی کامل داشته‌اند. برابر متون تاریخی، در همه آن زمان‌ها پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند، شلوار و چادر رایج بوده است. زنان هر چند با آزادی در محیط بیرون خانه رفت و آمد می‌کردند و هم‌پای مردان به کار می‌پرداختند، ولی این امور با حجاب کامل و پرهیز شدید از اختلاط‌های فسادانگیز همراه بوده است.

جایگاه فرهنگی پوشش در میان زنان نجیب ایران‌زمین به گونه‌ای است که در دوران سلطه کامل شاهان، هنگامی که خشایارشا به ملکه «وشی» دستور داد که بدون پوشش به بزم بیاید تا حاضران، زیبایی اندام او را بنگرند، وی امتناع کرد و از انجام فرمان پادشاه سر باز زد. به دلیل این سرپیچی، به حکم دادوران، عنوان «ملکه ایران» را از دست داد. نقل این داستان در عهد عتیق چنین آمده است: «... امر فرمود و شتی ملکه را با تاج ملوکانه به حضور پادشاه بیاورند تا زیبایی او را به خلایق و سروران نشان دهد؛ زیرا که نیکو منظر بود اما؛ و شتی نخواست...»<sup>۱۸</sup>

### پوشش و حجاب پس از نبوت زرتشت

در زمان ساسانیان که پس از نبوت زردشت است، افزون بر چادر، پوشش صورت نیز در میان زنان اشراف معمول شد. به گفته ویل دورانت، پس از داریوش، زنان طبقات بالای اجتماع، جرئت نداشتند جز در تختِ روانِ روپوش‌دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان آمد و رفت کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی حتی پدر و برادرشان را ببینند. در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده است، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان نیامده است.<sup>۱۹</sup> تجلیات پوشش در میان زنان ایران چنان چشم‌گیر است که برخی از اندیشمندان و تمدن‌نگاران، ایران را منبع اصلی ترویج حجاب در جهان معرفی کرده‌اند.<sup>۲۰</sup>

از آن‌جا که مرکز بعثت «اشو زرتشت» ایران بوده است و ایشان در زمینه اصل حجاب و پوشش زنان در جامعه خویش کمبودی نمی‌دیده است، با تأیید حدود و کیفیت حجاب رایج آن دوران، کوشید با پندهای خود، ریشه‌های درونی حجاب را تعمیق و مستحکم کند و عامل درون را ضامن اجرا و پشتوانه استمرار و استواری حجاب معمول قرار دهد.

البته در دین زرتشت، لباس با کیفیت خاصی برای حجاب زنان واجب نشده است؛ بلکه لباس رایج آن زمان که شامل لباس بلند، شلوار و سرپوش (یعنی چادر یا شنلی بر

روی آن) بوده، مورد تقریر و تنفیذ قرار گرفته است. هر چند استفاده از «سِدرِه و کُشتی» (لباس مذهبی ویژه زرتشتیان) توصیه شده است.<sup>۲۱</sup> البته بر هر مرد و زن واجب است که هنگام انجام مراسم عبادی و نیایش، سر خود را بپوشانند. بنا به گفته مؤبد «رستم شهرزادی» پوشش زنان باید به گونه‌ای باشد که هیچ‌یک از موهای سر زن از سرپوش بیرون نباشد.<sup>۲۲</sup> در خرده اوستا، به طور صریح چنین آمده است: «نامی زت واجیم، همگی سر واپوشیم و همگی نماز و کریم بدادار هورمزد»؛<sup>۲۳</sup> یعنی همگان نامی ز تو بر گوئیم و همگان سر خود را می‌پوشیم و آن گاه به درگاه دادار اهورمزدا نماز می‌کنیم.

براساس آموزه‌های دینی، یک زرتشتی مؤمن، باید از نگاه ناپاک به زنان دوری جوید و حتی از به کارگیری چنین مردانی خودداری کند. در اندرز «آذر بادمار اسپند» مؤبد موبدان آمده است: «مرد بدچشم (نگاه ناپاک) را به معاونت خود قبول مکن».<sup>۲۴</sup>

پوشش موی سر و داشتن نقاب بر چهره، پس از سقوط ساسانیان نیز ادامه یافته است. به این نمونه بنگرید: پس از فتح ایران، هنگامی که سه تن از دختران کسری، شاهنشاه ساسانی را برای عمر آوردند، شاهزادگان ایرانی همچنان با نقاب، چهره خود را پوشانده بودند. عمر دستور داد تا پوشش از چهره برگیرند تا خریداران پس از نگاه، پول بیشتری مبدول دارند. دوشیزگان ایرانی خودداری کردند و به سینه مأمور اجرای حکم عمر، مشت زده، آنان را از خود دور ساختند. عمر بسیار خشمناک شد. ولی امام علی علیه السلام او را به مدارا و تکریم آنان سفارش فرمود.<sup>۲۵</sup>

در کیش آریایی زنان محجوب و محترم بودند. زنان ایرانی برای حفظ حیثیت طبقه ممتاز و ایجاد حدودی که آنان را از زنان عادی و طبقه چهارم امتیاز دهد، صورت خود را می‌پوشاندند و گیسوان خود را پنهان می‌داشتند؛ از این‌رو، محجوب بودن «پوشش صورت» به زنان برتر جامعه اختصاص داشته است. آیین زردشت که تاریخ آن را بین ۱۳۰۰ تا ۲۳۰۰ قبل از اسلام گفته‌اند. آیین پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک است؛ از این‌رو، انسان‌ها را به پاکی و پاک‌دامنی فرا می‌خواند. در نقاشی‌ها و کنده‌کاری‌های باستانی ایران بسیار کم از زن تصویری به چشم می‌خورد. اگرچه زنان کدبانوی خانه و مدیر و مدبر امور خانواده بودند، ولی حفظ حرمت ایشان با پوشیده داشتن ایشان رعایت می‌شد تا پاک‌دامنی آنها حفظ شده و از هر آسیبی در امان باشند.<sup>۲۶</sup>

### رابطه حجاب و عفت در آیین زرتشت

عفاف، طهارت درونی و نوعی حجاب باطنی است. از آنجای که انسان، ذاتاً موجودی است دارای دو بعد الهی و مادی، باید به او آموخت که اگر همه یکسان آمده‌ایم، اما برای رجعت بهتر، آنانی در اولویت هستند که دارای درونی آراسته‌تر باشند و در صورت تلاش و برنامه‌ریزی صحیح، نفس خویش را در مسیر انسانیت رشد دهند؛ اما آنانی که در مسیر حیوانیت و خواسته‌های نفسانی خود حرکت کنند، این نشان از نداشتن برنامه‌ریزی مناسب برای تأدیب نفس خویش است. در واقع واژه «عفت» بر کنترل شهوات و جلوگیری آن در خروج از مرز اعتدال تلقی می‌شود از این‌رو، به پند و اندرزهای «اشو زرتشت» بنگرید تا تلاش وی برای تعالی و آموزش مبانی حجاب و بیان لزوم توأم نمودن حجاب ظاهری با عفت باطنی، روشن‌تر شود. او می‌فرماید:

ای نوع‌روسان و دامادان! ... با غیرت، در پی زندگانی پاک‌منشی بر آید ... ای مردان و زنان! راه راست را دریابید و پیروی کنید. هیچ‌گاه گرد دروغ و خوشی‌های زودگذری که تباه‌کننده زندگی است، نگرید؛ زیرا لذتی که با بدنامی و گناه همراه باشد، همچون زهر کشنده‌ای است که با شیرینی درآمیخته و همانند خودش دوزخی است. با این‌گونه کارها، زندگانی گیتی خود را تباه مسازید. پاداش رهروان نیکی، به کسی می‌رسد که هوا، هوس، خودخواهی و آرزوهای باطل را از خود دور ساخته، بر نفس خویش چیره گردد. کوتاهی و غفلت در این راه، پایانش جز ناله و افسوس نخواهد بود. فریب‌خوردگانی که دست به کردار زشت‌زند، گرفتار بدبختی و نیستی خواهند شد و سرانجامشان خروش و فریاد و ناله است.<sup>۲۷</sup>

### مستندات فقهی پوشش در آیین زرتشت

چنین استناد فقهی رسماً به عنوان احکام حجاب در این دین قابل دسترسی نیست؛ اما از مطالب مذکور می‌توان چنین حکمی را اقتباس کرد؛ زیرا همان‌طور که بیان شد، مرکز بعثت «اشو زرتشت» ایران بوده است<sup>۲۸</sup> و حضرت در زمینه اصل حجاب و پوشش زنان در جامعه خویش کمبودی نمی‌دیده است؛ از این‌رو، با تأکید حدود و کیفیت حجاب متداول آن زمان، کوشید با اندرز خود، پایه‌های درونی حجاب را تعمیق و مستحکم کند و عامل درونی را ضامن اجرا و پشتوانه استمرار و استواری حجاب معمول قرار دهد. به این دلیل، در این خصوص صریحاً امری صادر نشده و صرفاً با چنین کلماتی، پاکی را متذکر می‌شود:



«از تو، ای مرد خواهش می‌کنم پیدایش و فزونی را پاک و پاکیزه ساز و از تو، ای زن خواهش می‌کنم تن و نیرو را پاک و پاکیزه ساز».<sup>۲۹</sup>

بر این اساس یک زردشت مؤمن باید به این امور ملتزم باشد: ۱. دوری از نگاه به زن نامحرم؛ ۲. پرهیز از ازدواج با مردانی که چشم ناپاک دارند. در اندرز «آذربادمار اسپند» مؤید موبدان آمده است: «مرد بدچشم (نگاه ناپاک) را به معاونت خود قبول مکن»؛<sup>۳۰</sup> از این‌رو، عفاف برای مردان لازم و ضروری به نظر می‌رسد. در این آیین، لباس متداول زمان یعنی شلوار و سرپوش یا چادر یا شنل مورد تأکید قرار گرفته است؛ از این‌رو، می‌توان گفت به لحاظ رعایت حجاب هیچ لزومی به امر و جوب آن صورت نگرفته است. هر چند استفاده از سِدره و کُشتی (لباس مذهبی ویژه زرتشتیان) سفارش شده است. البته بر هر مرد و زن واجب است هنگام انجام مراسم عبادی و نیایش، سر خود را بپوشاند و پوشش زنان باید به گونه‌ای باشد که هیچ‌یک از موهای سر زن از سرپوش بیرون نباشد. در خرده اوستا، به طور صریح چنین آمده است: «نامی زت واجیم، همگی سر واپوشیم و همگی نماز و کریم بدادار هورمزد»، یعنی همگان نامی ز تو برگوییم و همگان سر خود را می‌پوشیم و آنگاه به درگاه دادار اهورمزدا نماز می‌کنیم.<sup>۳۱</sup>

حال آیا صرفاً با تأکید بر امر حجاب، می‌توان گفت دین زردشت حجاب زن را الزامی می‌داند؛ چون بر امری که مردم ملتزم بودند، باز تذکر داده است؟ از طرفی، پوشش در معابد نه تنها برای زنان واجب است، بلکه برای مردان نیز این مهم و واجب شمرده شده است. البته می‌توان گفت امر و جوب در این نص، تذکری است برای پوشش مردان در معابد که با ابعاد معنوی زمان مرتبط باشند؛ یعنی نوع پوشش و چگونگی حضور در معابد و مراسم در جذب و احساس معنویت مؤثر بوده است. البته یک نمونه افراطی از حجاب را نیز می‌توان مشاهده کرد؛ آنجا که زنان شوهردار حق نداشتند، هیچ مردی - حتی پدر و برادرشان - را ببینند. به احتمال زیاد این مقدار تأکید، صرفاً از تمایزات فرهنگی پدید آمده باشد.<sup>۳۲</sup>

### گونه‌های حجاب در زرتشت

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان یک تقسیم‌بندی دیگری از مباحث ارائه داد و حجاب در آیین زردشت را به پوششی، رفتاری و گفتاری تبیین و تقسیم کرد.

حجاب پوششی: آن گونه که متون تاریخی یاد کردند، در همه آن زمان‌ها پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند، شلوار و چادر امری رایج در فرهنگ و دین مردم آن زمان بود و زنان هر چند با آزادی، در محیط بیرون خانه رفت و آمد می‌کردند و همپای مردان به کار می‌پرداختند. ولی این امور با حجاب کامل و پرهیز شدید از اختلاط‌های فسادانگیز صورت می‌یافت.<sup>۳۳</sup>

حجاب رفتاری و گفتاری: در نظام دینی و فرهنگی زمان آیین زرتشت، زنان طبقات بالای اجتماع، می‌بایستی در تخت روان پوشیده و محفوظ از خانه بیرون بیایند و هرگز مجاز نبودند با مردان رفت و آمد و گفت‌وگو داشته باشند. زنان پس از ازدواج، اجازه نداشتند هیچ مردی - حتی پدر و برادرشان - را ببینند.<sup>۳۴</sup>

### پوشش و حجاب در آیین یهود

همه مورخان از حجاب سخت زنان یهودی سخن گفته‌اند.<sup>۳۵</sup> ویل دورانت می‌گوید: گفت‌وگوی علنی میان ذکور و اناث، حتی بین زن و شوهر از طرف فقهای دین ممنوع گردیده بود..... دختران را به مدرسه نمی‌فرستادند و در مورد آنها کسب اندکی علم را به ویژه چیز خطرناکی می‌شمردند. با این همه تدریس خصوصی برای اناث مجاز بود.<sup>۳۶</sup>

نپوشاندن موی سر، خلافی بود که مرتکب آن را مستوجب طلاق می‌ساخت.<sup>۳۷</sup> زندگی جنسی آنان، علی‌رغم تعدد زوجات، به طرز شایان توجه، منزّه از خطایا بود. زنان آنان، دوشیزگانی محجوب، همسرانی کوشا، مادرانی پُرزا و امین بودند و از آنجاکه زود وصلت می‌کردند، فحشا به حداقل تخفیف پیدا می‌کرد.<sup>۳۸</sup>

تورات تشبه مرد و زن به یکدیگر را نهی نموده، می‌گوید: متاع مرد بر زن نباشد و مرد لباس زن را نپوشد؛ زیرا هر که این را کند، مکروه خداوند خدای توسست.<sup>۳۹</sup> خداوند می‌گوید:

از این جهت که دختران صهیون متکبرند و با گردن افراشته و غمزات چشم راه می‌روند و به ناز می‌خرامند و به پای‌های خویش خلخال‌ها را به صدا می‌آورند\* بنابراین، خداوند فرق سر دختران صهیون را کُل خواهد ساخت\* و در آن روز، خداوند زینت خلخال‌ها و پیشانی‌بندها و هلال‌ها را دور خواهد کرد\* و گوشوارها و دستبندها و روبندها را\* و دستارها و زنجیرها و کمربندها و عطردان‌ها و تعویذها را\* و انگشترها و حلقه‌های بینی را\* و رخوت نفیسه و رداها و شال‌ها و کیسه‌ها را\* و آینه‌ها و کتان نازک و عمامه‌ها و

برقع‌ها را \* و واقع می‌شود که به عوض عطریات، عفونت خواهد شد و به عوض کمر بند، ریسمان و به عوض موی‌های بافته، کلی و به عوض سینه‌بند، زُنار پلاس و به عوض زیبایی، سوختگی خواهد بود \* مردانت به شمشیر و شجاعانت در جنگ خواهند افتاد \* و دروازه‌های وی، ناله و ماتم خواهند کرد و او خراب شده، بر زمین خواهد نشست.<sup>۴۱</sup>

افزون بر این در کتاب مقدس، وجوب پوشاندن موی سر<sup>۴۱</sup> لزوم پرهیز از زنان فریب‌کار و بیگانه:<sup>۴۲</sup> نهی از لمس و تماس<sup>۴۳</sup> و واژه چادر<sup>۴۴</sup> نقاب<sup>۴۵</sup> و برقع<sup>۴۶</sup> آمده است. به عنوان مثال، در میشنه تورات از جمله مواردی که مرد موظف است برای زن خود تهیه کند، پوشش سر است.<sup>۴۷، ۴۸</sup> در حکم سخت‌گیرانه تلمود، اگر رفتار زن فضیحت‌آمیز باشد، شوهر حق دارد او را بدون پرداخت مبلغ مهریه طلاق دهد و زنانی که در موارد زیر به رفتار و کردار آنها اشاره می‌شود، ازدواجشان باطل است و مبلغ مهریه به ایشان تعلق نمی‌گیرد؛ زنی که از اجرای قوانین دینی یهود سرپیچی می‌کند، برای مثال، بدون پوشاندن سر خود، به میان مردان می‌رود؛ در کوچه و بازار پشم می‌ریسد و با هر مردی از روی سبک‌سری به گفت‌وگو می‌پردازد، زنی که در حضور شوهر خود، به والدین او دشنام می‌دهد و زن بلندصدا که در خانه با شوهر خود به صدای بلند درباره امور زناشویی صحبت می‌کند و همسایگان او می‌شنوند که چه می‌گوید.<sup>۴۹</sup> زن عاقل خانه خود را بنا می‌نماید. اما [زن] ابله آن را با دست‌های خود ویران می‌نماید.<sup>۵۰</sup>

برخورد حضرت موسی علیه السلام به سبب رعایت حیا و عفت با دختران شعیب، که به آنان فرمود، تا پشت سر او حرکت کرده و از پشت سر، او را به منزل پدرشان هدایت کنند و نیز، سیره عملی یهودیان مبنی بر استفاده از چادر و برقع و روبند،<sup>۵۱</sup> تفکیک و جدا بودن محل عبادت زنان از مردان در کنیسه، ناشایسته شمردن اشعاری که در تمجید زیبایی زنان سروده شده است و ایراد خطابه توسط زنان از پشت پرده، همگی بیانگر کیفیت شدید و سخت‌گیرانه حجاب نزد یهودیان است. همچنین ممنوعیت زن در فعالیت‌های اجتماعی و مجاز نبودن به اخذ شغل اجرایی و قضایی، تأکیدی است بر این مطلب.<sup>۵۲</sup>

### مستندات فقهی حجاب و پوشش در آیین یهود

رعایت عفت و حجاب توسط زنان انبیاء و بزرگان بنی‌اسرائیل در تورات کنونی و تلمود کاملاً مشهود است؛ به طوری که رعایت نکردن عفت، یکی از عوامل نزول عذاب الاهی بر

بنی اسرائیل دانسته شده است. «زن نیکوسیرت، عزت را نگاه می‌دارد. مثل نیرومندان که اموال را محافظت می‌نمایند»<sup>۵۳</sup> در بخش ناشیم از کتاب میشنه، نوشته ابن میمون چنین آمده است. مرد، لازم است لباسی را برای پوشش سر و پیشانی و حتی چشم زن تهیه کند.<sup>۵۴</sup> همان‌طور که روشن شد، قانون سخت حجاب زنان یهودی، به اعتراف مورخان، غیر قابل انکار است. اصلی‌ترین کتاب فقهی یهودیان که تلمود نام دارد، بر لزوم پوشاندن سر از نامحرم، لزوم سکوت زن و پرهیز از هرگونه آرایش برای دیگر مردها، پرهیز از نگاه زن به مردان بیگانه، اجتناب از نگاه مرد به زنان نامحرم و لزوم پرهیز از هر امر تحریک‌آمیز، تأکید شده است. گفت‌وگوی علنی میان ذکور و اناث، از سوی فقهای دین ممنوع شده است. هر چند این مقدار از ممنوعیت ممکن است از فرهنگ زمان یا مکان در فقه یهودیت تأثیر گرفته باشد. تورات تشبه مرد و زن به یکدیگر را نهی کرده و می‌گوید: متاع مرد بر زن نباشد و مرد لباس زن را نپوشد؛ زیرا هر که این را کند، مکروه «یَهُوَه» خدای توسست.<sup>۵۶</sup> بی‌حجابی، سبب نزول عذاب معرفی شده است. طبق قوانین یهودی، عدم رعایت عفت عمومی، دارای مجازات بوده و حجاب از ضروریات زندگی زنان خصوصاً زنان متأهل است. اگر عفت عمومی از سوی مرد یا زن آسیب ببیند، برای هر یک از آنها کیفر و تنبیه در نظر گرفته شده است.<sup>۵۷</sup>

#### حجاب افراطی و تفریطی در یهود

گفت‌وگوی علنی میان ذکور و اناث، حتی بین زن و شوهر از سوی فقهای دین ممنوع شده بود... دختران را به مدرسه نمی‌فرستادند و در مورد آنها کسب‌اندکی علم را به ویژه چیز خطرناکی می‌شمردند. در تفسیری دیگر بیان شده که چون محیط فعالیت زن، در خانه او بود، این ترس در میان بود که اگر زن، وقت و نیروی خود را صرف تحصیل علم کند، ممکن است به امور خانه‌داری نرسد.<sup>۵۸</sup> پوشاندن موی سر، خلافی بود که مرتکب آن را مستوجب طلاق می‌ساخت. این نگاه افراطی در جامعه دینی و فرهنگی زمان یهود، محدودیت زنان را در عرصه‌های شدت مردسالاری آن دوران می‌رساند که بعضاً از ممنوعیت مدرسه دختران کاملاً آشکار است.<sup>۵۹</sup>

اما این افراط ادامه نیافت. علی‌رغم نظام سخت‌گیرانه حجاب در یهودیت، پس از رنسانس و تحولات اجتماعی اروپا و ایجاد فضای دین‌گریزی در غرب، شعائر دینی از

جمله سنت رعایت پوشش عفیفانه، رو به ضعف نهاد و زنان یهودی تحت تأثیر فضای اجتماعی دوران تجدد، بعضاً حجاب خود را کنار گذاشته و از کلاه گیس به عنوان شکلی از پوشش سر استفاده کردند. اکنون بسیاری از بانوان یهودی ارتودکس در اسرائیل از پوشش سر استفاده می‌کنند. در واقع شاید آن تفسیری که بی‌میلی رهبران مذهبی یهود را در خصوص اموری مانند تحصیلات عالیه ابراز می‌کردند، تحقق یافت؛ زیرا دلیل آنان این بود که آمیخته شدن زن و مرد موجب فساد اخلاقی بی‌بند و باری و خیانت می‌شود.<sup>۶۰</sup>

### گونه‌های حجاب در یهود

با توجه به آنچه گذشت می‌توان گونه‌هایی از حجاب را این چنین اقتباس کرد:

۱. **حجاب پوششی:** مطابق مبنای حجاب در شریعت یهود، کاربرد واژه «چادر» و «برقع»، که به معنای روپوش صورت است، کیفیت پوشش زنان یهودی را نشان می‌دهد، و بر لزوم پوشاندن سر از نامحرمان و پرهیز از هرگونه آرایش برای دیگر مردها، تأکید شده است.<sup>۶۱</sup>

۲. **حجاب رفتاری:** مطابق آیین یهود، خداوند دختران متکبری را که با گردن افراشته و غمزات چشم راه می‌روند و به ناز می‌خرامند و به پای‌های خویش خلخال‌ها به صدا می‌آورند، خداوند فرقه‌ها سر آنان را در آخرت، کُلْ خواهد ساخت و آنان که از آرایش و عطر استفاده کردند، به عوض عطریات، عفونت، و به عوض کمربند، ریسمان، و به عوض موی‌های بافته، کُلی، و به عوض سینه‌بند، زَنار پلاس، و به عوض زیبایی، سوختگی نصیب‌شان خواهد بود.<sup>۶۲</sup>

۳. **حجاب گفتاری:** در دین یهود، شواهدی وجود دارد که رعایت عفت و حجاب گفتاری را تأیید می‌کند؛ در گنجینه تلمود نقل شده است: زنی که از اجرای قوانین دینی یهود سرپیچی می‌کند، برای مثال، با هر مردی از روی سبک‌سری به گفت‌وگو می‌پردازد، زنی که در حضور شوهر خود، به والدین او دشنام می‌دهد و در خانه با شوهر خود به صدای بلند درباره امور زناشویی صحبت می‌کند و همسایگان او می‌شنوند که چه می‌گوید، شوهر حق دارد او را بدون پرداخت مبلغ مهریه طلاق دهد.<sup>۶۳</sup> زن ممتار از برای شوهرش تاج است.<sup>۶۴</sup>

### پوشش و حجاب پیش از آیین مسیحیت

در آیین مسیحیت، پوشش اهمیت زیادی داشته و زنان معتقد به حضرت مسیح علیه السلام می‌کوشیدند مانند حضرت مریم علیها السلام موی خود را بپوشانند و باحجاب وارد جامعه شوند. نقاشان مسیحی - به خصوص نقاشان قدیمی تر - تصویر حضرت مریم علیها السلام را با پوشش و حجاب کامل می‌کشیدند. همچنین از گذشته تا زمان حاضر زنان راهبه و قدیس، یکی از کامل‌ترین حجاب‌ها را انتخاب کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که از نظر آنان، داشتن حجاب، به دین‌داری نزدیک‌تر و در پیشگاه خدا پسندیده‌تر است.

مسیحیت، نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب را تغییر نداد، بلکه قوانین شدید آن را استمرار بخشید و در برخی موارد، گام را فراتر نهاد و با سخت‌گیری بیشتری، وجوب حجاب را مطرح ساخت؛ زیرا در شریعت یهود، تشکیل خانواده و ازدواج امری مقدس شمرده می‌شد و طبق نوشته ویل دورانت، در سن بیست سالگی اجباری بود.<sup>۶۵</sup>

بنابراین مسیحیت، برای از بین بردن زمینه هرگونه تحریک و تهییج، زنان را به صورت شدیدتری به رعایت کامل پوشش و دوری از هرگونه آرایش و تزئین فراخواند. در متون تاریخی، چادر و روبند، برای همگان - حتی برای خاتون‌های اشراف - ضروری بود. در اعیاد نیز، کسی آن را کنار نمی‌گذاشت؛ بلکه با طلا و نقره و پارچه‌های زربافت آن را تزئین می‌نمودند و حتی برای تفریح نیز با حجب و حیای کامل در مجالس انس یا گردش‌هایی دور از چشم نامحرمان، شرکت می‌جستند.<sup>۶۶</sup>

انجیل در موارد فراوان، بر وجوب حجاب و پوشش تأکید و پیروانش را به تنزه از اعمال شهوت و عفاف فراخوانده است. در عهد جدید می‌خوانیم:

همچنین زنان پیر در سیرت متقی باشند و نه غیبت‌گو و نه بنده شراب زیاده؛ بلکه معلمات تعلیم نیکو\* تا زنان جوان را خرد بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند\* و خرداندیش، عقیقه، خانه‌نشین، نیکو و مطیع شوهران خود که مبدا کلام خدا متهم شود.<sup>۶۷</sup>

علاوه بر این، «عهد جدید» نیز لزوم پوشاندن موی سر، به ویژه در مراسم عبادی<sup>۶۸</sup> لزوم سکوت به ویژه در کلیسا،<sup>۶۹</sup> باوقار و امین بودن زن<sup>۷۰</sup> و نهی از نگاه ناپاک به بیگانگان را خاطر نشان ساخته، می‌گوید: کسی که به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم، در دل خود با او زنا کرده است\* پس اگر چشم راستت، تو را بلغزانند، قلعش کن و از خود دور انداز؛ زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت تباه گردد، از آن‌که تمام بدنت در جهنم افکنده شود.\*<sup>۷۱</sup>

دستورات دینی پاپ‌ها و کاردینال‌های مسیحی، که بر اساس آن، پوشاندن صورت الزامی و تزئین موی سر و آرایش آن و تنظیم آنها در آئینه و سوراخ کردن گوش‌ها و آویختن گلوبند، خلخال، طلا و دستبند قیمتی، رنگ نمودن مو و تغییر صورت ظاهری ممنوع بود، شدت بیشتری را نشان می‌دهد.<sup>۷۲</sup> در مورد سیره عملی زنان مسیحی، گفته شده: دین مسیحی، برای زن، خمار را باقی نهاد. وقتی وارد اروپا شد، آن را نیکو شمرد. زن‌ها در کوچه و وقت نماز، خمار داشتند. در قرون وسطا، خصوصاً قرن نهم، خمار رواج داشت. آستین خمار، شانه زن را پوشانده، تقریباً به زمین می‌رسید. این عادت تا قرن سیزدهم باقی بود.<sup>۷۳</sup>

هنگام ظهور مسیح ﷺ در فلسطین، اروپا در شرک و بت پرستی بود. مردم گرفتار آداب و رسوم مشرکانه بودند و زنان آنها معمولاً موی خود را نمی‌پوشاندند. اما با آمدن مسیحیت به اروپا و گسترش تعالیم دین مسیح ﷺ، پوشیدن موی سر نیز در میان زنان گسترش یافت. ویل دورانت در مورد سیره عملی زنان مسیحی چنین می‌نویسد:

ساق پای زنان چیزی نبود که در ملأ عام و یا رایگان به چشم خورد... البسه بانوان در مجالس تورنه، موضوع مهمی برای روحانیون بود که کاردینال‌ها، در ازی جامه‌های خواتین را معین می‌کردند. هنگامی که کشیشان چادر و روبند را یکی از ارکان اخلاقیات عیسوی دانستند، به دستور زن‌ها، چادرها را از مشمش ظریف و حریر زربفت ساختند...<sup>۷۴</sup>

تصویرهایی که از پوشاک مسیحیان و زنان اروپا به جا مانده، به روشنی حجاب کامل زنان را نشان می‌دهد.<sup>۷۵</sup>

#### مستندات فقهی پوشش در آیین مسیحیت

در مسیحیت - همانند ادیان زردشت و یهود - حجاب امری معمول و مورد تأیید است. مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب را تغییر نداد، بلکه از آن قدم فراتر نهاد؛ زیرا در شریعت یهود تشکیل خانواده و ازدواج امری مقدس شمرده می‌شد. اما در مسیحیت، مجرد مقدس شمرده شد؛ از این رو، برای از بین بردن زمینه تحریک و تهییج جنسی، زنان به رعایت عفت کامل و دوری از هرگونه آرایش، به صورت شدیدتری فراخوانده شده‌اند. البته در تعالیم مسیحیت تأکید بیشتر بر ترک عموم لذات دنیوی و از بین بردن شهوت است؛ از این رو، رهبانیت در قرن ۴ و ۵ در این آیین به وجود آمد. زنان راهبه مسیحی با رعایت عفت کامل و حجاب، مشغول خدمت به مردم شدند.

در انجیل بر وجوب حجاب و پوشش تأکید و پیروانش را به تنزه از اعمال شهوت و عفاف فراخوانده است. در انجیل می‌خوانیم:

زنان جوان خرداندیش، عقیقه، خانه‌نشین، نیکو و مطیع شوهران خود باشند. دستورات دینی پاپ‌ها و کاردینال‌های مسیحی که براساس آن، پوشاندن صورت الزامی و تزیین موی سر و آرایش آن و تنظیم آنها در آئینه و سوراخ کردن گوش‌ها و آویختن گلوبند، خلخال، طلا و دستبند قیمتی، رنگ کردن مو و تغییر صورت ظاهری ممنوع بود.<sup>۷۶</sup>

### افراط در مسیحیت

بیان شد که مسیحیت در خصوص حجاب نه تنها روند شریعت یهود را پیروی کرد، بلکه قوانین شدید آن را دنبال کرد. و در برخی موارد، قدم را فراتر نهاد و با سخت‌گیری بیشتری وجوب حجاب را مطرح ساخت. عدم ازدواج و تجرد، مقدس شمرده می‌شد؛ از این‌رو، مسیحیت، زنان را به صورت شدیدتری به رعایت کامل پوشش و دوری از هر گونه آرایش و تزیین فراخواند. تا قبل از قرن هجده سالگی، زنان حتی معیشت خود را از طریق کار در منزل تأمین می‌کردند.<sup>۷۷</sup> در آتن، زن متعلق به خانواده مرفه در اتاق‌های جداگانه زندگی می‌کردند و شب‌ها در راهرویش قفل می‌کردند تا از دیگران جدا باشد.<sup>۷۸</sup> هیچ زنی حق نداشت پرستار، بازیگر، دبی یا چیزی نظیر آن بشود؛ چون مشاغل بیرونی را برای آن مناسب نمی‌دیدند.<sup>۷۹</sup> در کتاب مقدس، در مورد لزوم آراستگی به حیا و کنار نهادن آرایش ظاهری چنین آمده است:

همچنین زنان، خویشتن را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز؛ نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت گران‌بها\*... زن با سکوت به کمال اطاعت تعلیم گیرد\* و زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود؛ بلکه در سکوت بماند\*<sup>۸۰</sup>

### گونه‌های پوشش در مسیحیت

بر اساس آنچه گذشت، گونه‌های حجاب در مسیحیت این‌گونه قابل تقسیم است:

۱. حجاب پوششی: مسیحیت با دستور تجرد و زندگی رهبانی، بر لزوم حجاب پوششی و رعایت عفت تأکید فراوان دارد. نه تنها پوشاندن صورت را الزامی کرد، بلکه تزیین موی



سر و آرایش آن و تنظیم آنها در آئینه و سوراخ کردن گوش‌ها و آویختن گلوبند، خلخال، طلا و دستبند قیمتی، رنگ کردن مو و تغییر صورت ظاهری را نیز ممنوع کرد. صریحاً بیان می‌کند که « شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشیدن لباس،...».<sup>۸۱</sup> زن محترم وقتی از خانه خارج می‌شد، از روبند استفاده می‌کرد.<sup>۸۲</sup>

۲. **حجاب رفتاری:** «...لیکن من به شما می‌گویم هر کسی به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است. پس اگر چشم راست تو را بلغزاند، قطعش کن و از خود دورانداز؛ زیرا تو را بهتر که عضوی از اعضایت تباه گردد تا تمام بدن در جهنم افکنده شود».<sup>۸۳</sup> هیچ کس برای زنانی که زیبایی‌شان را در معرض فروش می‌گذاشتند، احترامی قائل نبود.<sup>۸۴</sup>

۳. **گفتاری:** پوشش زن در مسیحیت آن قدر شدید بود که بیشتر ترجیح می‌داد، زنان خانه‌نشین و نیکو و مطیع شوهران خود باشند و کمتر وارد اجتماع می‌شدند. از طرفی، مردان را نیز ملزم به رعایت شدید چشم می‌نمود و سفارش می‌کرد کسی که به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم، در دل خود با او زنا کرده است.<sup>۸۵</sup> از زن محترم انتظار نمی‌رفت که با هر کس که در راه بر می‌خورد وارد صحبت شود.<sup>۸۶</sup>

### نتیجه‌گیری

هدف مقاله صرفاً ارائه مستندات شرعی برای توجه ادیان بر مسئله پوشش و حجاب بود تا نشان داده شود، فرهنگ به تنهایی بر این مهم تأکید نداشته است؛ بلکه ادیان، هماهنگ با فطرت آدمی، گرایش به پوشش و عفاف را به عنوان یک اصل پسندیده مطرح کردند در ادیان، صرفاً به حجاب ظاهری تأکید و بسنده نشده؛ بلکه حجاب باطنی به عنوان آراستگی درونی و تلاش در جهت تأدیب نفس برای هر مرد و زن متدین توصیه شده است. از دیگر مسائلی که باید مورد توجه قرار گیرد، مسئله فرهنگ‌پذیری است که بر تمام شئون اجتماعی تأثیر دارد. حتی نحوه تغذیه، پوشش و نیز چگونگی تفریح و تفرج را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است. هنگامی که عملی به عنوان فرهنگ جهانی در جامعه تبلیغ شد، آن جامعه بدون توجه به اعتقادات و مصالح خود، تن به فرهنگ به اصطلاح جهان می‌دهد؛ در حالی که ادیان در عرصه اصیل خود انسان را به ارزش‌های والای انسانی سوق می‌دهند و از چهره زن، مریم، آسیه، خدیجه و سرانجام، فاطمه علیها السلام می‌سازد.

پی‌نوشت‌ها

۱. مرتضی مطهری، جهان‌بینی توحیدی، ص ۷۵، ۱۳۸۱ ش.
۲. ابوالقاسم راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۱۹، ۱۴۱۲ ق.
۳. احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ص ۴۷، ۱۹۸۷.
۴. اسماعیل جوهری، اصحاح تاج الغه العربیه، ج ۱، ص ۱۰۷.
۵. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۹۸.
۶. جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور، ص ۶۴.
۷. احمد اردبیلی، زبده البیان، ص ۸۷، ۱۴۲۱ م.
۸. سلیمان بن اشعث ابو داوود، سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۶۲.
۹. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک، ج ۲، ص ۵۵۸.
۱۰. ابوالقاسم راغب اصفهانی، مفردات الفاظ، ج ۲، ص ۱۶۴.
۱۱. علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱۸.
۱۲. ملاصدرا، شرح اسفار، ج ۴، ص ۱۱۶.
۱۳. محمد بن محمد خواجه نصیر الدین طوسی، اخلاق ناصری، ص ۷۴.
۱۴. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۳۷.
۱۵. دوشن گیمن، دین ایران باستان، ص ۲۲، ۱۳۷۵.
۱۶. مری بویس، تاریخ کیش زرتشت، ج ۲، ص ۳۱، ۱۳۷۵.
۱۷. جلیل ضیاءپور، پوشاک باستانی ایرانیان از کهن‌ترین زمان، ص ۱۷، ۲۶.
۱۸. عهد عتیق، کتاب اِستَر، باب اول، آیه ۱۰.
۱۹. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، ج ۱، ص ۵۵۲.
۲۰. همان، ج ۲، ص ۷۸؛ برتاند راسل، زناشویی و اخلاق، ص ۱۳۵.
۲۱. «سدره» از نه پاره پارچه سفید و نازک دوخته شده و در زیر پیراهن، چسبیده به بدن پوشیده شود. سدره که در اوستا (ستره) نامیده شده، به معنای آن نیز هست. علمای اسلام نیز برای بیان حکم حجاب از واژه ستر استفاده کرده‌اند. «گشتی»، کمربند باریکی است که از پشم گوسفند بافته شده و باید پیوسته آن را بر روی سدره به کمر ببنند؛ مؤید موبدان، رستم شهرزادی، دین و دانش.
۲۲. مهرانگیز شهرزادی، مجموعه قوانین زردشت، ص ۶۵.
۲۳. اوستا، مترجم هاشم رضی، بخش هشتم، خرده اوستا، آفرینگان، همان، ص ۴۰۳.
۲۴. سالنمای ۱۳۷۲، چاپ انجمن زرتشتیان، ص ۱۰.
۲۵. وشنوهای، حجاب در اسلام، ص ۵۹، به نقل از السیره الحلبیه، ج ۲، ص ۴۹.
۲۶. زهره‌سادات موسوی، عفاف و حجاب در ادیان الهی، ص ۳۹.
۲۷. یسنا، ص ۵۳، بندهای ۵ - ۸.
۲۸. ژاله آموزگار و احمد تفضلی، اسطوره زندگی زردشت، ص ۲۲.

۲۹. جیمس دارمستتر، مجموعه سخنرانی مویب موبدان رستم شهزاداری، ص ۲۷۵.
۳۰. سالنمای انجمن زرتشتیان، تهران، ص ۱۰، ۱۳۷۲.
۳۱. اوستا، بخش هشتم، خرده اوستا، آفرینگان دهان، ص ۴۰۳.
۳۲. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲.
۳۳. فریدون پور بهمن، پوشاک در ایران باستان، ص ۷۶.
۳۴. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲.
۳۵. عبدالرسول عبدالحسن الغفار، المرأة المعاصره، ص ۴۰.
۳۶. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۶۶.
۳۷. همان، ج ۱۲، ص ۶۲.
۳۸. همان، ص ۶۳.
۳۹. عهد عتیق، سفر توریه مثنی، باب ۲۲، فقره ۵.
۴۰. تورات، کتاب اشعیا نبی، باب سوم، فقره ۱۶ - ۲۶.
۴۱. عهد عتیق، سفر اعداد، باب ۵، فقره ۱۸.
۴۲. همان، کتاب روث، باب دوم، فقره ۸ - ۱۰.
۴۳. همان، کتاب امثال سلیمان نبی، باب ششم، فقره ۱ - ۱۰ و ۲۰ - ۲۶.
۴۴. همان، مدرک، باب سوم، فقره ۱۵.
۴۵. همان.
۴۶. همان، کتاب سرود سلیمان، باب ۴، فقره ۱.
47. She is granted a belt for her loins, a cap for her head and new shoes on each festival.
48. Halacha 1. Mishneh Torah , Sefer Nashim , Ishut , Chapter Thirteen.
۴۹. کهن ابراهام، گنجینه ای از تلمود، امیر فریدون گرگانی، ص ۱۸۶.
۵۰. عهد عتیق، کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۱۴، فقره ۲.
۵۱. همان، سفر پیدایش، باب ۳۸، فقره ۱۵.
۵۲. سالتز آدین اشتاین، سیری در تلمود، ترجمه باقر طالبی دارابی، ص ۲۰۵.
۵۳. عهد عتیق، کتاب امثال سلیمان، نبی، باب ۱۱، فقره ۱۷.
54. he is obligated to provide her with ornaments — e.g., colored cloths to wrap her head and forehead, eye...
55. Halacha 1. Mishneh Torah , Sefer Nashim , Ishut , Chapter Thirteen
۵۶. عهد عتیق، سفر تثبیه، باب ۲۲، فقره ۵.
۵۷. همان، سفر تثبیه، باب ۲۲، فقره ۶ - ۳۰.
۵۸. ابراهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ص ۱۹۸.
۵۹. عبدالوهاب المسیری، دایرة المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم، ص ۲۶۵.

۶۰. ابرهام کهن، گنجینه‌ای از تلمود، ص ۱۹۸.
۶۱. عهد عتیق، سفر پیدایش، باب ۳۸، فقره ۱۵.
۶۲. تورات، کتاب اشعیاء نبی، باب سوم، فقره ۱۶ - ۲۶.
۶۳. ابرهام کهن، گنجینه‌ای از تلمود، ص ۱۸۶.
۶۴. عهد عتیق، کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۱۲، فقره ۲۸.
۶۵. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴۳۹.
۶۶. محمدی آشنائی، علی، حجاب در ادیان الاهی، ص ۱۶۵.
۶۷. عهد جدید، رساله پولس بتیطس، باب دوم، فقره ۱ - ۶.
۶۸. رساله اول پولس رسول به فرنتیان، باب یازدهم، فقره ۱ - ۶.
۶۹. باب چهاردهم، فقره ۳۴ - ۳۶.
۷۰. رساله پولس رسول به تیمونائوس، باب سوم، فقره ۱۱.
۷۱. انجیل متی، باب اول، فقره ۲۸ - ۳۰؛ باب هجدهم، فقره ۸ - ۱۰.
۷۲. انجیل رساله پطرس رسول باب سوم فقره ۱ - ۶.
۷۳. احمد مهذب، زن و آزادی، ص ۶۵.
۷۴. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۳، ص ۴۹۸ - ۵۰۰.
۷۵. براون و اشنایدر، پوشاک اقوام مختلف، ص ۱۱۶.
۷۶. انجیل رساله پطرس رسول باب سوم فقره ۱ - ۶.
۷۷. جان موریس رابرتس، تاریخ جهان از آغاز تا پایان قرن بیستم، ترجمه منوچهر شادان، ص ۷۶۵.
۷۸. همان، ص ۲۲۳.
۷۹. جان موریس رابرتس، تاریخ جهان از آغاز تا پایان قرن بیستم، ص ۲۲۴.
۸۰. انجیل، رساله اول پولس رسول به تیمونائوس، باب دوم، فقره ۹ - ۱۵.
۸۱. همان، رساله پطرس رسول، باب سوم فقره ۱ - ۶.
۸۲. جان موریس رابرتس، تاریخ جهان از آغاز تا پایان قرن بیستم، ص ۲۲۳.
۸۳. انجیل متی، باب اول، فقره ۲۸ - ۳۰.
۸۴. جان موریس رابرتس، همان، ص ۲۲۳.
۸۵. انجیل متی، باب اول، فقره ۲۸.
۸۶. جان موریس رابرتس، همان، ص ۲۲۳.

## منابع

- فروهر، *اوستا*، ترجمه هاشم، قم، رضی، ۱۳۷۴.
- عهد عتیق و عهد جدید*، ترجمه فاضل خان همدانی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.
- عهد عتیق*، انجمن کتب مقدس، ۱۹۸۱ م.
- گرگانی، امیرفریدون، *گنجینه‌ای از تلمود*، آبراهام کهن، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲.
- طالبی دارابی، باقر، *سیری در تلمود*، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، آدین اشتاین سالتز، ۱۳۸۳ ش.
- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد، *اسطوره زندگی زردشت*، تهران، چشمه، ۱۳۷۵.
- ابن‌منظور، محمدبن مکرم، *لسان العرب*، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
- ابوزید، نصر حامد، *دوائر الخوف*، بیروت، المركز الثقافي العربي، ۱۴۰۵ ق.
- ابو داوود، سلیمان بن اشعث، *سنن ابی داوود*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹.
- اردبیلی، احمد، *زبده البیان*، قم، مومنین، ۱۴۲۱ م.
- پارسا، طیبه، *پوشش زن در گستره تاریخ*، قم، احسن‌الحديث، ۱۴۲۱ م.
- پوربهنم، فریدون، *پوشاک در ایران باستان*، ضیاء سیکارودی هاجر، امیرکبیر، ۱۴۲۱ م.
- جان موریس، رابرتس، *تاریخ جهان از آغاز تا پایان قرن بیستم*، شادان منوچهر، تهران، بهجت، ۱۳۸۶.
- طوسی، خواجه نصیرالدین طوسی، *اخلاق ناصری*، چ سوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی‌تا.
- جوهری، اسماعیل، *اصحاح تاج الغه العربیه*، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۷۳ ش.
- جوان بخت، مهرداد، *کنکاش در سفرنامه‌های ایرانیان از قاجار تا زمان حاضر*، تهران، آموزه، ۱۳۸۱.
- راسل، برتاند، *زناشویی و اخلاق*، مهدی افشار، بی‌جا، کاویان، ۱۳۸۱.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم، ۱۳۸۱.
- راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- دارمستتر، جیمس مجموعه *قوانین زردشت*، جوان موسی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۱.
- دوشن، گیمن، *دین ایران باستان*، رویا منجم، تهران، فکر روز، ۱۳۷۵.
- شهرزادی، مهرانگیز، *مجموعه سخنرانی موبد موبدان رستم شهرزادی*، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۸۰.
- مهرانگیز شهرزادی، *سالنمای*، تهران، چاپ انجمن زرتشتیان، ۱۳۷۲.
- ، پوشاک اقوام مختلف، گزارش ایران‌شناسی، ج ۶-۴، ش ۴، زمستان ۱۳۷۲.
- سیوطی، جلال‌الدین، *الدرالمشور*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ ق.
- شایگان، داریوش، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، چ سوم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، بی‌تا.
- شهرزادی، رستم، «آموزش‌های زردشت پیامبر ایران آموزش گات‌ها»، *انجمن زرتشتیان*، ۱۳۶۲ ش.
- قرشی، علی‌اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، بی‌تا.

- فیومی، احمدین محمد، *المصباح المنیر*، بیروت، مکتبه لبنان، ۱۹۸۷م.
- (ملاصدرا) صدرالدین محمدشیرازی، *شرح اسفار*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۹۹.
- ضیاءپور، جلیل، *پوشاک باستانی ایرانیان از کهن‌ترین زمان*، تهران، هنرهای زیبای کشور، بی‌تا.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، تهران، اسماعیلیان، بی‌تا.
- عبدالرسول عبدالحسن الغفار، *المرأة المعاصرة*، چ سوم، بی‌جا، بی‌تا.
- المسیری، عبدالوهاب، *دایرةالمعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه، ۱۳۸۳.
- مری بویس، تاریخ کیش زرتشت، همایون صنعتی‌زاده، تهران، توس، ۱۳۷۵.
- مطهری، مرتضی، *جهان‌بینی توحیدی*، تهران، صدرا، ۱۳۸۱ش.
- ، *مجموعه آثار*، چ سوم، تهران، صدرا، ۱۳۸۱ش.
- موسوی، زهره‌سادات، *عفاف و حجاب در ادیان الهی*، گنجینه فرهنگ، بی‌جا، بی‌تا، ۱۳۸۱ش.
- محمدیی آشنانی، علی محمدی، *حجاب در ادیان الهی*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
- نوری، حسین‌بن محمدتقی، *مستدرک الوسائل*، بیروت، موسسه آل‌البتیة، لاجیاء التراث، ۱۳۶۷.
- ویل کاکس، روتترنر، *تاریخ لباس*، بزرگمهر، شیرین، توس، ۱۳۸۶.
- ویل دورانت، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمدآرام و دیگران، چ سوم، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷.
- [www.chabad.org/library, Classic Texts ,Mishneh Torah.](http://www.chabad.org/library_Classic_Texts_Mishneh_Torah)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی